گزارش برنامه صعود به قله ريزان ۸۵/۵/۱۳

پاي صعود: شمال شرق تهران، روستاي افجه

تعداد افراد شركت كننده: ۲۶ نفر
سرپرست برنامه: شاهين مقيمي
گزارش نويس: شاهين مقيمي

اسامي شركت كنندگان: رضا لطفيان، ابوذر سرافراز، فرشته نظري، آرزو سلطاني، حميدرضا سلطاني، پريسا امامي، دكتر كريمي، ميثم جلالوند، رضا محمدي زيازي، حسام نوريان، نوشين مرتضوي، وجيهه دخيلي، طاهره ميرزايي، حميد حسن زاده، مهدي مهدوي، علي پاداش، مجتبي قادري، عليرضا عظيم زاده، شيما زحمتكش، پريسا احمدي، مريم حسن زاده، ساجد افغان، زينب آقايي، سمانه اعتمادي، شاهين مقيمي.

صبح روز جمعه ساعت ۶:۱۵ از در رشت با يک ميني بوس و يک ماشين شخصي به سمت افجه حركت كرديم. لازم به گفتن ميدانم كه بدليل صعود نشدن اين قله توسط انجمن در سالهاي اخير، اطلاع دقيقي از زمانبندي و مسير صعود و برگشت نداشتيم. البته از طريق اينترنت چند گزارش برانامه صعود و نقشه توپوگرافي منطقه را پيدا كردم و خودم حدود ۵ سال قبل اين قله را صعود كرده بودم و با بچه ها هم كه صحبت كردم، به اين نتيجه رسيدم كه نبايد پيدا كردن مسير كار سختي باشه، مخصوصاً كه از خود روستا قله كاملاً معلومه و بدليل اينكه حدود ۱۰۰ متر آخر زير قله كاملاً سنگي و صخره اي است، بايد از سمت راست يعني از سمت قله پرسون و يا از سمت چپ و از طرف آتشكوه به قله حمله كرد، كه از افجه صعود از سمت راست قله صورت ميگيره. ما ساعت ۷:۲۵ به ميدان افجه رسيديم و پس از آماده شدن حركت كرديم. تعداد افراد گروه تقريباً زياد بود و بدليل يكدست نبودن افراد تيم، حدود ۱۰ دقيقه بين اعضاء گروه فاصله افتاده بود. بين راه يكبار استراحت داشتيم و ساعت ۹:۲۰ به دشت هويج رسيديم. يكي از بچه ها كه با ما آمده بود قصد صعود به قله هاي پرسون و ريزان و آتشكوه را داشت كه از دشت از تيم جدا شد و قرار شد كه ساعت ۱۶:۴۵ همديگر را در ميدان افجه ببينيم. ما در دشت صبحانه خورديم و پس از برگزاري جلسه معارفه و گرفتن عكس، با ۲۲ نفر

از بچه ها در ساعت ۱۰:۲۰ به سمت قله حرکت کردیم. مسیر همانطور که فکر میکردم مشخص بود. مـا از دره شمال شرقي دشت حرکت کردیم و میدانسنم که باید روي یال سمت چپ قرار بگیـریم تـا بـه خـط الـرأس برسیم، اما شیب یالها زیاد بود. براي اینکه مسیر را اشتباه نریم، من از یکي از یالهاي پر شیب بالا رفتم تـا از بالا یال مناسب براي صعود گروه رو پیدا کنم. سرانجام پس از ۱ ساعت حرکـت در امتـداد رودخانـه کـه آب خیلي زیادي هم نداشت، به یک یال با شیب کمتر رسیدیم که از ته دره شروع میشد و براي صـعود مناسـب بود. با جلوداري رضا لطفیان و عقبداري فرشته نظري از یال شروع به حرکت کردیم.مـسیر تقریبـاً بـصورت پاکوب مشخص بود و بعضي جاها خیلي قابل تشخیص نبود. در ابتداي یال حال یکي از افراد بد شد و با یـک نفر دیگر، به سمت دشت برگشتند. سرانجام پس از دو بار استراحت بین مسیر، ساعت ۱۲:۴۰ به سنگهاي زیر قله رسیدیم. پس از استراحت، از سمت راست سنگها شروع به صعود کردیم. از خود دشت که چـشمه اي بـا آب خنک و گوارا دارد، دیگر چشمه اي در مسیر مشاهده نشد. هوا هم با وجود آفتابي بودن آسـمان، بـدلیل وزش باد قابل تحمل بود. ساعت ۱۴:۰۰ اولین گروه و ساعت ۱۴:۱۵ آخرین نفرات به قله رسیدیم. در راه متوجه شدم که زمان برگشتي که به راننده میني بوس گفتم مناسب نبوده و تصمیم گـرفتم کـه وقتـي بـه دشـت رسیدیم، با تلفن قرار را عقب بندازم. پس از استراحت ۱۵ دقیقه اي شروع به فرود کردیم. متأسـفانه بـدلیل آشنا نبودن با مسیر و یکدست نبودن افراد گروه و وجود حدود ۱۰ نفر افراد کم تجربه و جدید در گروه، مسیر برگشت ما خیلي طول کشید. بدلیل یکدست نبودن افراد ما باید یا از مسیر رفت برمیگشتیم و یا بـه سـمت آتشکوه خط الرأس را ادامه میدادیم تا از قسمت کم ارتفاع و غیر سنگي آن به سمت پایین حرکت میکردیم. اما بدلیل آشنا نبودن به مسیر، ما از یک شکاف در زیر قله و از میان قسمت سنگي به سمت پـایین حرکـت کردیم. این مسیر، کاملاً پرشیب و مملو از سنگ است که بدلیل ریزشي بودن آن، براي صعود تیمـي و آنهـم با این تعداد، مخصوصاً اگر تیم یکدست نباشد، مسیري تقریباً خطرناک و سخت و طولاني است. خلاصه افراد بصورت تک تک از این شکاف پایین آمدند و از سمت چپ آن در یک مسیر شـن اسـکي بـه سـمت پـایین حرکت کردند که حدود ۱۰۰ دقیقه طول کشید و ماساعت ۱۶:۰۰ به پایین شن اسکي رسیدیم و تا ساعت ۱۶:۲۰ منتظر رسیدن عقبدار شدیم. بدلیل کمبود وقت، من یکي از اعضاء تیم را به سمت دشت هویج فرستادم کـه با افراد داخل دشت به سمت ماشین بروند و قرار شد که تیم از سمت دشت سواسـتون کـه در غـرب دشـت

هويج و بالاتر از آن و درست زير شن اسكي زير قله قرار دارد به سمت روستا برود. پايين شن اسكي قله آب اكثر افراد تيم تمام شده بود كه مشخص ميكرد كه ذخيره آب ۱,۵ ليتري براي صعود از دشت كـافي نيـست . البته حدود ساعت ۱۶:۴۵ و در ميانه راه دشت سواستون، به چشمه اي رسيديم كـه پـس از برداشـتن آب، سريعاً به سمت پايين حركت كرديم و سرانجام آخرين نفرات تيم همراه عقبدار در ساعت ۱۸:۴۰ بـه ميـدان افجه رسيدند. ساعت ۲۰:۳۵ در رشت بوديم. هزينه مينى بوس ۵۰۰۰۰ شد.